

عنوان مقاله:

نگاهی تطبیقی به نظریه ی فطرت در اندیشه ی مولانا و مرتضی مطهری

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت معاصر، دوره 12، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسنده:

سیده اکرم اصحابی - استادیار گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ایران. نویسنده مسئول

خلاصه مقاله:

در نهاد بشر گرایش هایی وجود دارد که فصل ممیز او از حیوانات است، در فرهنگ قرآنی از آنها به «فطرت» تعبیر می شود. مولوی اساس انسان را بر مبنای فطرت پاک الهی می داند و برای وجود انسان مقام والایی، قائل است، برخلاف دیگر عرفا که اصولا انسان را با گرایشهای غریزی و امیال نفسانی تعریف می کنند و لذا توصیه به مهار و سرکوب تمایلات نفسانی می دهند. مطهری نیز انسان را واجد فطریاتی می داند که منشا آنها به یک فطرت یعنی کمال مطلق برمی گردد. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی این نتیجه بدست آمد که هر دو اندیشمند، منشاء فطریات را ربوبیت الهی می دانند. همچنین، وجود انسان صحنه تعارض و کشاکش بین قوای معنوی و فطری با امور پست و غریزی است و تنها زمانی انسان در خود احساس پیروزی می کند که قوای فطری بر بخش دانی وجودش غلبه کند. هنگامی که انسان از خود واقعی و فطرت الهی خود دور می شود، دچار بی قراری، یاس و حرمان می گردد. همچنان که عواملی مانند امور مادی، محیط و القائات جامعه می تواند سبب انحراف و دوری از فطرت گردد عواملی همچون وجود انبیا یکی از مهمترین عوامل بازگشت به فطرت اولیه انسان است.

کلمات کلیدی:

نظریه فطرت، مولوی، مرتضی مطهری، مطالعه ی تطبیقی، کمال مطلق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1331249>

